

## نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی

احمد پور احمد\*  
لیلا حبیبی\*\*  
مریم جعفری مهرآبادی\*\*\*

### چکیده

پیدایش پدیده شهرنشینی، ظهور شهرها و تبعات ناشی از آن سبب جلب توجه اندیشمندان علوم مختلف شده است. در این میان نقش محققان حوزه فرهنگ اسلامی همچون فارابی در پژوهش‌های تاریخی مربوط به شهر، شهرنشینی و شهروندی بسیار پررنگ است. این پژوهش قصد دارد به بررسی آرای مربوط به مقوله «شهر و شهرنشینی» از دیدگاه معلم ثانی و کاربرد آن در دانش برنامه‌ریزی به خصوص در امر مشارکت شهروندان بپردازد. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بوده که از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. با بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه می‌توان رسید که دیدگاه‌های مطرح شده این اندیشمند اسلامی با دیدگاه‌های معاصر اندیشمندان امروزی قرابت و تشابه زیادی داشته است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت ما با انسانی جمع‌گرا و البته شهرگرا روبرو هستیم که آینده‌نگری خاصی نسبت به امور شهری داشته است. به نظر می‌رسد نظریات وی به بحث مشارکت شهروندی نزدیک است که خود یکی از مسایل مهم در برنامه‌ریزی انسان‌گرا به شمار می‌رود. نتایج این پژوهش می‌تواند نقش دیدگاه‌های بومی را در رشته‌های علوم انسانی به خصوص علوم شهری به نحو کاربردی تری ارتقا بخشد.

### واژگان کلیدی

شهرنشینی، مدینه فاضله، آرمان شهر، حقوق شهروندی، جامعه مدنی.

.....  
\* دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران. apoura@ut.ac.ir  
\*\* پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۱۱۲۵۸۹۹۲  
leila.habibi@gmail.com  
\*\*\* پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران.  
Mjafari18@yahoo.com

## مقدمه

امروزه شهرها از چنان اهمیتی از زمان پیدایش تمدن بشری برخوردارند که «زابت پارک» بنیان‌گذار مکتب اکولوژی شهری شیکاگو، شهر را «کارگاه تمدن بشر» نامیده است [عظیمی، ۱۳۸۴: ۳۵]. به عبارتی، شهرها ویرترین تمام‌نمای شکوه و نزول جوامع در طول تاریخ به شمار می‌آیند.

دانش برنامه‌ریزی شهری در پیوند با موضوعات مختلفی همچون جغرافیا، فلسفه، تاریخ، شهرسازی، اقتصاد و جامعه‌شناسی ناگزیر به عملکرد بین‌رشته‌ای خواهد بود. در این میان نقش رویکردهای مختلف در حوزه‌هایی نظیر فلسفه برای ارتقای دانش برنامه‌ریزی به خصوص برنامه‌ریزی شهری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تأثیر ایدئولوژی‌های مختلف در اداره امور شهر و شهروندان در تاریخ شکل‌گیری سکونتگاه‌های شهری بر هیچ‌کس پوشیده نیست. از این رو آشنایی با اندیشه‌های مختلف در باب شهر و شهرنشینی ضمن در نظر گرفتن فرایندهای تاریخی شکل‌گیری پدیده‌های شهری به حل مسایل شهری نیز کمک دوچندانی خواهد کرد. از این منظر تعامل میان اندیشمندان فلسفه و علوم شهری آنها را از حصار منفعلانه خود رها ساخته و نقش پررنگ‌تری را در اداره امور که مستلزم همکاری همه رشته‌های مرتبط است، ایفا می‌کند.

با این اوصاف آشنایی با نظریات فارابی به عنوان نظریه‌پرداز شهری و شهرنشینی به اهمیت مطالعات فلسفی در علوم انسانی اشاره می‌کند. از این رو با ذکر این هدف، تحقیق حاضر درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که شهرنشینی و حقوق شهروندی در آرای این اندیشمند با چه رویکردهایی همراه بوده است؟

## مبانی نظری

به طور کلی شمار کتب و رسایل فارابی به بیش از پنجاه عنوان می‌رسد [مهاجرنی، ۱۳۸۰: ۷۶] که از میان آنها می‌توان به کتاب‌های «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله»، «سیاست‌المدینه»، «فصول‌المنتزعه» و «تحصیل‌السعاده» اشاره کرد.

از میان آثار منتشر شده می‌توان به کتب آرای اهل مدینه فاضله که با عنوان اندیشه‌های اهل مدینه فاضله به وسیله سید جعفر سجادی [۱۳۵۹] ترجمه شده است و ترجمه کتاب سیاست مدینه توسط وی [۱۳۵۸] اشاره کرد.

فارابی در کتاب اندیشه‌های اهل مدینه فاضله با ذکر مدینه فاضله و ضرورت اجتماعی بودن افراد در همچنین مدینه‌ای از واژه «تسالم» استفاده می‌کند که به معنی همزیستی مسالمت‌آمیز است و به طور بالقوه بر موضوع مشارکت تأکید می‌کند و افراد را ملزم به زندگی با مشارکت و تعاون با یکدیگر می‌داند و پیشبرد امور مردم را محتاج به معاونت و کمک امت و ملت به یکدیگر می‌داند. به این ترتیب ضرورت زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که با یکدیگر تسالم کنند [فارابی، ۱۳۵۴: ۵۱].

در ارتباط با تحلیل نظریات فارابی و مشارکت شهروندی کمتر

کسی از این زاویه و به صورت کاملاً تخصصی نگریسته است. اما به طور کلی می‌توان رد پای این بحث را در بعضی از آثار مشاهده کرد. موضوع مشارکت و ارتباط آن با نظریات فارابی در اثر فارابی و سیر شهروندی به صورت مستقیم در چاپ دوم کتاب فلامکی [۱۳۸۵] ذکر شده است که در آن نحوه ارتباط میان مشارکت و نظرات فارابی بیشتر از طریق چگونگی حرکت مردمان در مدینه فاضله فارابی نمود پیدا می‌کند. چگونگی مشارکت یا عدم مشارکت در فضاهای شهری و انجام‌پذیری آن از جمله موضوعاتی است که در این راستا عناوین مرتبطی همچون مقایسه تطبیقی میان انواع همبستگی (مکانیکی و ارگانیکی) را دربرمی‌گیرد.

آزاد ارمکی [۱۳۷۴] در خصوص اساس تفکرات فارابی، به انواع جوامع انسانی، ضرورت اجتماعی شدن و مشارکت افراد در شهرها اشاره می‌کند. به عنوان مثال در جایی اشاره می‌شود که ضرورت اجتماعی شدن آدمی از نظر فارابی رسیدن به سعادت است. زیرا او در کتاب سیاست مدنی، کمال انسان و جامعه را در زمان تحقق سعادت حقیقی می‌داند. از نظر او سعادت بدون وجود تعاون و همکاری بدست نمی‌آید. فارابی جامعه را به وجود افراد، روابط و همکاری بین آنها تعریف کرده و یا در جایی دیگر ذکر می‌کند که یکی از نشانه‌های زندگی جمعی، پیوستگی و ارتباط با یکدیگر است.

غیر از این اثر، تمامی آثار مربوط به فارابی و تحلیل نظریات وی بیشتر در چارچوب اقتصادی و سیاسی تحلیل شده است و نه در ابعاد فضایی همچون شهر. هرچند به صورت کلی به اصل تعاون اشاره می‌کند. از میان این آثار می‌توان به داوری اردکانی [۱۳۷۴: ۲۲۸] اشاره کرد. وی در این پژوهش به ذکر اجتماع، تقسیم جامعه از منظر کامل و ناقص و اصل مشارکت اشاره می‌کند. به این صورت که به نظر فارابی اهل مدینه همه به مثابه عضو یک تن هستند و بدبختی یکی را همه باید بدبختی خودشان بدانند.

ناظرزاده کرمانی [۱۳۳۲] با تشریح اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی به تطبیق نظریات وی با آرای افلاطون و ارسطو می‌پردازد چراکه فارابی با لقب معلم ثانی اولین کسی است که معرفی‌کننده آرای ارسطو در فلسفه اسلامی است.

خوشرو نیز در مقایسه‌ای تطبیقی [۱۳۷۴] به بررسی و شناخت انواع اجتماعات در نظریات فارابی و ابن خلدون و تفاوت‌هایی می‌پردازد که از نظر نوع دیدگاه در تفکرات این دو فیلسوف وجود دارد. وی در پژوهش خود به ذکر خصوصیات انواع مدینه فاضله، جاهله، فاسقه، ضاله و مبدله پرداخته و عواملی که سبب شکل‌گیری همچنین جوامعی می‌شود را ذکر می‌کند.

«مهاجرنی» در کتاب «اندیشه سیاسی فارابی» به بررسی دیدگاه‌های فارابی پرداخته است. وی نیز به صورت گذرا اشاره‌ای به موضوع تعاون در نظرات فارابی داشته است، به گونه‌ای که ذکر می‌کند:

شالوده بحث اجتماع فارابی را تعاون و همکاری میان افراد جامعه برای وصول به غایت واحد آن تشکیل می‌دهد. به همین

کنکاش می‌کند؛ از هستی، چیستی، چرایی و چگونگی آن می‌پرسد و انواع اجتماعات غیر کامله و خرد شامل (خانه، کوی و محله) و کامله و کلان شامل (شهر/کشور، امت و جامعه جهانی) را برمی‌شمارد. شکل، صورت، قالب، نوع حقیقی و غیر حقیقی آن را شرح می‌دهد، نوع آرمانی یا فاصله را از انواع غیر فاصله آن مشخص می‌سازد و سرانجام ویژگی‌ها و خصایص نوع برتر از زندگی جمعی را از انواع پست‌تر آن معین می‌کند. از این رو، فلسفه اجتماع همواره با حقیقت اجتماع بشری و اجتماعات حقیقی انسان‌ها سروکار دارد، نه با واقعیت اجتماع و جوامع تاریخی. به عبارت دیگر، فلسفه اجتماع در مفهوم کلاسیک آن از نوع حقیقی اجتماعاتی صحبت می‌کند که در عالم مثال و یا عالم ایده‌آل و یا عالم نفس‌الامر تحقق دارد. از این رو فلسفه اجتماع در آثار فارابی با عنوان "علم مدنی" به کار رفته است. این علم به شاخه‌ای از دانش اجتماعی اطلاق می‌شود که به بحث درباره مدینه به عنوان یک اجتماع کامله و یا انواع مدینه‌ها به عنوان اجتماعات کامله می‌پردازد. به عنوان مثال، فارابی از مدینه، امت و معموره (جامعه جهانی) فاصله به عنوان انواع اجتماعات کامله نام برده است [تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۲].

به نظر فارابی، انسان موجودی است که مدنی بالطبع است و طبیعتاً نیازمند به اموری است که جز با جمع و در جمع و به کمک جمع برطرف نمی‌شود [نقیسی، ۱۳۶۸: ۲۵].

فارابی می‌گوید زندگی انفرادی برای انسان امکان دارد اما نهایتاً اگر بخواهد به سعادت و کمال برتر نایل شود باید به طور اجتماعی زندگی کند. براساس تعاون و جماعت کامل، جماعت مدنی خواهند شد [فارابی، ۱۳۵۸: ۴۹].

اجتماعات از نظر فارابی در یک تقسیم کلی به دو بخش کامله و غیر کامله تقسیم می‌شوند. اجتماع غیر کامل به تجمعی اطلاق می‌شود که به مرحله مدنیت و شهرنشینی نرسیده باشد و به تعبیر جامعه‌شناختی یک جامعه کل و فرهنگ تامی به وجود نیامده باشد. ساخت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، معرفتی، تربیتی و اخلاقی مستقلی تشکیل نشده بلکه تابعی از یک امت و یا به تعبیر دیگر تابعی از نظام و سیستم کلی مدینه و جامعه باشد. اجتماع ده، اجتماع محله، کوی و منزل که کوچکترین نوع اجتماع است چنین‌اند. اجتماع و زندگی جمعی در سیر صعودی هنگامی به اولین مرتبه کمال قدم می‌نهد که مدینه تشکیل می‌شود. پس مدنیت و مدینه‌نشینی اولین مرتبه سیر تکاملی زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌رود که به نظر فارابی دائماً در حال گسترش و تعالی است. هرچه مدنیت گسترده‌تر و پیچیده‌تر بشود انسان به کمال مطلق خود نزدیک‌تر می‌شود. این اجتماعات کامله خود دارای سه نوع است که از نظر ماهوی تفاوتی با هم نداشته و تنها از نظر عوامل طبیعی (خوی و خلق طبیعی و وضع آفرینش) و قراردادی (زبان) از هم متمایز می‌شوند. "صغری، وسطی و عظمی" سه مدینه کامله‌ایست که فارابی از آنها نام می‌برد.

دلیل فارابی تعاون را هم‌سنگ اصل اجتماع تلقی می‌کند. وی بر این باور است که انسان به تنهایی نمی‌تواند به ضروریات زندگی و کمال نهایی خویش برسد مگر آنکه برای او یاوران و همکارانی باشد که هر کدام عهده‌دار بخشی از نیازهای جمع باشند [مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۲۴].

همچنین از بین آثار غیر فارسی می‌توان به پژوهش هانری کربن [۱۳۷۷]، ماجد فخری [۱۳۷۲]، ذبیح الله صفا [۱۳۷۱] و ابراهیم مدکور [شریف، ۱۳۶۲] اشاره داشت که بر نکات ذکر شده فوق، اتفاق نظر داشته و تشابه موضوعات ذکر شده در این تحقیقات نیز به چشم می‌خورد. با توضیحات ذکر شده پژوهش حاضر درصدد است تا با رویکردی تحلیلی و محتوایی به بررسی ریشه‌های رویکرد مشارکتی در نظریات فارابی بپردازد که در آثار موجود به صورت بین رشته‌ای و مستقیم کمتر اشاره شده است.

## روش

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای تبیین موضوع مورد نظر استفاده شده است. در این راه، ابتدا از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر استفاده و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته شد و در نهایت به نتایج ارایه شده دست یافت.

## فارابی؛ شهرنشینی، شهروندی و مدینه فاضله

«ابونصر محمدبن محمدبن طرخان بن اوزلغ» معروف به فارابی در حدود سال ۲۵۷ هجری / ۸۷۰ م در شهر فاراب از بلاد ترکستان متولد شد و در همان زادگاه خود به کسب دانش پرداخت. او به قصد بغداد از دیار خود پای بیرون نهاد. وقتی به پایتخت خلافت رسید نزد «ابوبشر بن متی» به تحصیل پرداخت. سپس به حران رفت و در حلقه درس «یوحنا بن میلان» نشست. اقامت او در حران به طول نینجامید و بار دیگر به بغداد برگشت و پس از آنکه در علم منطق استادی یافت، همه وقت خود را وقف فلسفه کرد. به سال ۳۳۰ هجری به دمشق رفت و به «سیف‌الدوله حمدانی» حاکم حلب پیوست و در زمره علمای دربار او درآمد و در حمله سیف‌الدوله به حلب همراه وی بوده که در همین سفر به سال ۳۳۸ هجری در سن هشتاد سالگی در دمشق وفات یافت [جوکار، ۱۳۸۵: ۷۱].

برای تفهیم نظریات وی شناخت اصول کلی ایدئولوژیکی فارابی امری ضروری است که به آن اشاره می‌شود:

## اجتماع از منظر فارابی

در نظر فلاسفه، فلسفه اجتماع (social philosophy) به معرفتی اطلاق می‌شود که اجتماع و یا اجتماعات انسانی را به شیوه‌ای عقلی، فلسفی، کلی، نوعی، انتزاعی، تجربیدی، برهانی و تحلیلی مورد پژوهش قرار می‌دهد و در باب حقیقت جامعه

درجات تعالی را به اتفاق یکدیگر طی کنند، نظام اجتماعی آنان است؛ نظامی که نابرابری‌های کاربردی تک‌تک آنها را در جامعه جمعی مستهلک می‌کند و هرکس را در مسیری قرار می‌دهد که حین تعاون در همزیستی، راه پیشرفت فردی خود را از نظر دور ندارد. بیجا نیست اگر یادآوری کنیم که تحقق "اسفار اربعه" برای اهل مدینه فاضله میسر است و هر انسانی می‌تواند در طول این سفر خلقی-الهی-خلق به چنان درجه‌ای از سعادت و کمال فردی-اجتماعی برسد که ماحصل گذر "سیمرغ" در هفت وادی منطق الطیر عطار و دست‌یابی به "سیمرغ" پیش چشمش محسوس شود. مجموعه شهروندانی که هریک در ذات و توان‌های جسمانی خود، در فهم و قدرت درک پدیده‌ها و رسیدن به کمالات از توان‌های تحرک نابرابری برخوردارند و در نتیجه در فضای اجتماعی-فرهنگی و در فضای مکانی-کالبدی شهر خود، در سلسله مراتب و منازل متفاوتی قرار گرفته و در حرکتی مستمر پیش می‌روند و به اعتبار یا به دلیل تعلق به مدینه فاضله، جز راه تعالی نمی‌پویند [همان: ۱۶۷-۱۶۶].

با مطالب ذکر شده خصوصیات مدینه فاضله فارابی نمود پیدا می‌کند به طوری که شهر ایده‌آل فارابی شهری است که ساکنانش افرادی جهان وطن هستند؛ یعنی فارابی به شهری جهانی اندیشیده که در آن امم گوناگون می‌توانند در کنار هم زندگی کنند. نکته دیگر اینکه، مبانی فکری وی به مکانی گسترده‌تر از دیار متنوع مورد زیست او و به زمانی پهناتر از عمر او متعلق است. به طوری که وی شهر را در قلمرو فضای مکانی محدود و یا مترادف با شهر به معنای متعارف آن نمی‌داند و آن را تا اندازه‌ای وسیع می‌پندارد که در آن اقوام و ادیان و سیرت‌هایی متنوع را در حال تلاش و تعالی می‌بیند [فلامکی، ۱۳۶۷: ۱۵۷-۱۵۶].

"او می‌گوید: در حالی که معانی و جوهرهای چیزها واحد و تغییرناپذیرند، امور و موجوداتی که به وساطتشان، مورد تقلید واقع می‌شوند، متکثر و گوناگونند. بعضی از امور، آنها را از نزدیک تقلید می‌کنند و بعضی از دور، همان‌طور که در خصوص موجودات مرئی نیز چنین است؛ زیرا نقش یک انسان در آب از نقش تصویر انسان در آب به حقیقت نزدیک‌تر است. هر گروه و ملت می‌تواند چیزهایی را تقلید کند که مواد و مصالح آنها در هر گروه یا ملت متفاوت است. نتیجه اینکه چه بسا ملت‌ها و مدینه‌های فاضله‌ای، پیرو مذاهب گوناگونند اما همه آنها راه سعادت یگانه‌ای را دنبال می‌کنند" [کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۳: ۱۹۳].

با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد که ما با انسانی با دید و جهان‌بینی گسترده و آزاداندیش روبرو هستیم. امری که امروزه نیز دغدغه بسیاری از اندیشمندان محسوب می‌شود.

همچنین از لابلای این مباحث می‌توان رد پای مباحث حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی را با این جهان‌بینی فارابی جستجو کرد. مبارزات گسترش شهروندی همچون جنبش‌های ضد سرمایه‌داری

اجتماع صغری عبارت از اجتماع مردم یک مدینه است که در واقع جزئی از محل سکونت یک امت است و اجتماع وسطی اجتماع امتی در منطقه‌ای از معموره زمین و عظمی نیز اجتماع همه جماعت‌ها در بخش آبادان و قابل سکناى زمین است. از نظر فارابی خیر افضل، کمال غایی و نهایی در مرتبه اول نصیب مدینه می‌شود و به تبع آن است که به ده، محله، کوی و منزل جریان پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اجتماعات غیر کامله تنها در سایه اجتماع کامل یعنی مدینه است که به مراحل کمال نایل می‌شوند و از مواهب معنوی و روحانی و ماورا طبیعی بهره‌مند می‌شوند و در مسیر تکاملی قرار می‌گیرند و الا در نقص همیشگی غوطه‌ور خواهند ماند و شاید بدین معنا باشد که تکامل مدنی بر تکامل روستایی و تکامل اجتماعی بر تکامل انسانی مقدم است. پس هرچه افزون‌تر و گسترده‌تر شود و به امت تبدیل شود، این حرکت تکاملی شدیدتر می‌شود [نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۸-۲۶].

#### موقعیت شهرنشینان مدینه فاضله

فارابی در این بحث به دو موضوع اشاره دارد:

۱. موقع شهرنشینان در جامعه فردی: انسان نزد فارابی موجودی است متحول. انسان موجودی است که به دلیل مداخله عوامل بیرونی و ذاتیش مدام در حال دگرگونی است. از نظر فارابی سه عامل عقل فعال، تعلیم، تأدیب و برخورداری از فطرت سالم در شکل‌گیری شخصیت فردی انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند. به طوری که عقل فعال به مثابه نوری است که بر همه چیزها می‌تابد تا حقایق نهفته در آنها را بر ضمیر انسان آشکار کند. تعلیم و تأدیب در امر رسیدن به فضایل در امم و مدن از طرق اصلی به شمار می‌رود. به کمک این دو رشته موازی فعالیت آموزشی است که تک‌تک اهالی شهرها می‌توانند به راهی سوق داده شوند که در انتهایش به تعالی مطلق توان رسید. تعلیم، ایجاد فضایل نظری در افراد متشکل و نیمه متشکل و تأدیب، ایجاد فضایل خلقی و صنعت عملی در آنان است. همچنین به شرط برخورداری از فطرت سالم، مردم دارای خصلتی مشترک خواهند بود و با برخورداری از آن فطرت مشترک، اساساً معارف و مقولات نخستین را پذیرا می‌شوند و به سوی کارهای مشترک حرکت می‌کنند [فلامکی، ۱۳۶۷: ۱۶۵-۱۶۲].

۲. موقع شهرنشینان در گستره شهر و جامعه شهری: انسان‌های مدینه فاضله فارابی، تابعی از سه عامل اصلی هستند؛ عامل اول، دنیای درونی آنان است که تحت تأثیر مستقیم عقل فعال، آنان را به سویی می‌برد که با استعدادهای شخصی و غرایزشان متناسب است و به سوی انتخاب‌هایی با زمینه فردی-ذهنی سوقشان می‌دهد. این انتخاب‌ها، در چارچوب نظام مدنی متعالی مورد نظر فارابی صورت می‌گیرد. عامل دوم، دنیایی است که ابعاد عوامل مؤثرش بر انسان ناشناخته است و بر او حکومت می‌کند. سومین عامل تعیین‌کننده وضع انسان‌هایی که گرد هم می‌آیند تا

موظف است [فلامکی، ۱۳۶۷: ۱۷۸].

در تأیید مطالب ذکر شده باید گفت شهروندی در دنیای امروز به عنوان یک ایده ذاتاً ارتباطی (relational) از جذابیت زیادی برخوردار است چراکه متضمن همکاری میان افراد برای زندگی‌شان است. بدین مفهوم که علاوه بر حقوق، دربردارنده وظایف و تعهدات نیز هستند و تنها در این بستر اجتماعی است که روابط انسان پایدار بوده و حقوق افراد محقق می‌شود [فالکس، ۱۳۸۱: ۹].

همچنین در دیدگاه‌های جالب خود هیچ تفکیک از حیث جنسیتی میان زنان و مردان در مدینه فاضله مطرح نساخته است. از نظر فارابی زن و مرد در مدینه فاضله یکسان‌اند اگرچه در دو نیروی خشم و مهربانی از یکدیگر جدایی دارند، چه زن در نیروی خشم از مرد ناتوان‌تر است و در نیروی مهر از وی توان‌تر ولی هر دو در نیروهای حس، تخیل و خرد یکسانند [کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۳: ۸۱].

عبارات او در زمینه نابرابری و تفاضل انسان‌ها در فنون، علوم، حرفه‌ها و یا سلسله مراتب متفاضل آنان در قدرت، ریاست و یا طبقات چندگانه مدینه فاضله با رویکردی انسانی و نوعی (و نه با نگرشی جنسیتی، مرد محور و یا زن محور) بیان شده‌اند [تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵: ۱۵۸].

همچنین وی عدالت را به عنوان خصوصیتی برمی‌شمارد که لازمه ساکنان دولت ایده‌آل است. خصوصیتی که با عشق همراه است و خود عشق در آن دولت ایده‌آل به صورت قسمتی از فضیلت در افکار و اعمال ظاهر می‌شود [کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۳: ۵۷]. به این ترتیب بسیاری از دیدگاه‌های مربوط به مساوات انسان‌ها و برابری حقوق زنان و مردان دنیای معاصر از دید معلم ثانی هزار سال پیش دور نمانده است.

فارابی در مقابل مدینه فاضله، از انواع مدن غیر فاضله سخن گفته است که خود شامل مدینه‌های متعددی مثل جاهلیه، فاسقه، مبدله و ضاله می‌شود.

افراد مدینه جاهلیه نه سعادت حقیقی را می‌شناسند و نه به آن اعتقاد دارند. شناخت آنها از سعادت به پاره‌ای از امور محدود است که از روی ظن و گمان آن را خیر می‌پندارند [خوشرو، ۱۳۷۴: ۵۷]. افراد مدینه فاسقه سعادت را می‌شناسند و به آن معتقدند اما در عمل بر وفق اهوای خود و اهداف مدن جاهلیه عمل می‌کنند. مردم مدینه جاهلیه و فاسقه از لحاظ عملی همانند یکدیگر اما از لحاظ نظری متفاوتند زیرا که مردم مدن فاسقه، سعادت را می‌شناسند ولی مردم مدینه جاهلیه نسبت به سعادت جاهلند. در هر حال نتیجه اعمال مردم مدینه جاهلیه و فاسقه جدایی از سعادت حقیقی است [همان: ۶۲]. مدینه مبدله همان مدینه فاضله‌ای است که در اثر رسوخ عقاید و افکار غلط تغییر ماهیت و هویت داده و به واسطه جهل و نادانی مردمان آغشته به انحرافات و تباهی‌ها شده است. بنابراین رسوخ عقاید فاسد و جهل مردم، مدینه فاضله را استحاله و تبدیل به مدینه مبدله کرده

جنبش‌های زنان، مبارزات نژادی همچون مبارزات آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار و... از نمونه تلاش‌های انسان معاصر در جهت اعتلای حقوق شهروندی خواهد بود. این مسئله در نظریات فارابی در باب شهروندی بسیار جالب توجه است چه اینکه وی در مورد سلسله مراتب اجتماعی انسان‌ها در شهر، حقوق زنان و مردان و بحث عدالت در مدینه فاضله خود دیدگاه‌هایی ارایه کرده است که با معیارهای امروزی جامعه آرمانی بسیار قرابت دارد.

فارابی هدف نهایی مدینه فاضله را دستیابی به فضیلت، خیر، سعادت و کمال انسانی می‌داند ولی آدمیان را در رسیدن به سعادت یکسان نمی‌بیند و می‌گوید سعادت در خور آنانی نخواهد بود که شایستگی دریافت مبادی نخستین دانش را ندارند. در نگاه وی شایستگی‌ها و قابلیت‌های افراد از دو منشأ "سرشت ذاتی" و "آموزش" سرچشمه می‌گیرد و می‌گوید "جایگاه شهروندان در فرمانروایی، کنش‌ها، فرمانبرداری و چاکری به اندازه دانش‌ها و فرهنگ‌هایی که از راه آموزش خواهند آموخت، گونه‌گون و نسبت به یکدیگر برتری‌هایی خواهند داشت" [فارابی، ۱۳۷۶: ۲۱۸-۱۹۶]. بدین ترتیب، فارابی براساس اصل شایسته‌سالاری معتقد است که بر مردم مدینه فاضله کسانی حکومت می‌کنند که شایستگی لازم را از نظر معیارهای مورد نظر دارند.

به عبارتی دیگر در طرح مدینه فاضله، وی ساختار اجتماعی انعطاف‌پذیری را پیشنهاد می‌کند. در این ساختار از طبقات اجتماعی کاست گونه خبری نیست یا دست کم گریزگاه‌هایی گوناگون برای تحرک اجتماعی افراد تعبیه شده است. همچنین او قاعده "هرکس یک پیشه" را برای شهروندان مدینه می‌پسندد تا هرکس همه هوش و توانایی‌های خود را وقف پیشه‌اش کند [کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۳: ۱۸۹]. هرچند وی معتقد است در رأس هرم ساختار اجتماعی، رئیس اول قرار دارد و بعد از او افرادی قرار می‌گیرند که بر وفق هدف و خواست او عمل می‌کنند [ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۷۲]. فارابی در جامعه مدنی به تعاون میان افراد و مشارکت مدنی تأکید دارد، امری که امروزه در برنامه‌ریزی شهری تحت عنوان برنامه‌ریزی مشارکتی نام گرفته و بر مشارکت مردم و همکاری میان آنها تأکید دارد. وی می‌گوید:

"پس هر مدینه‌ای که هدف از اجتماع در آن، در حقیقت تعاون بر اموری باشد که موجب دست‌یابی افراد به سعادت شود، آن مدینه، مدینه فاضله است و اجتماعی که سبب آن، همکاری برای وصول به سعادت انجام گیرد، آن اجتماع فاضل است و امتی که همه مدینه‌های آن برای رسیدن به سعادت حقیقی با یکدیگر باریگری کنند، آن امت فاضله است و این چنین است معموره (جامعه جهانی فاضله) و آن، هنگامی محقق می‌شود که همه امت‌های آن برای رسیدن به سعادت حقیقی با یکدیگر همکاری نمایند" [تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۸].

به عبارت دیگر، شهروند مدینه فاضله از پویایی و تحرک و از حق مشارکت در امور جمعی برخوردار است و در جوابگویی به نیازهایی که در جمع مطرح است به فراخور توان‌های فردی‌اش

بررسی جامع مسایل محیطی و توسعه جهانی و آینده مشترک انسان‌ها است [صرافی، ۱۳۷۵: ۳۹].

در دنیای امروز شهرنشینی مباحث مربوط به آرمان شهر و شهر مطلوبی که مورد توجه مسئولان است، با تئوری توسعه پایدار شهری قابل تبیین است که یکی از اصول مورد نظر آن در شهر، رعایت عدالت اجتماعی خواهد بود. به طوری که منابع محدود بین افراد به صورت مساوی تقسیم و حقوق شهروندی افراد رعایت شود. این موضوع در آرای مربوط به فارابی قابل تشخیص بوده و از این بابت بسیار جالب به نظر می‌رسد که شخصی در قرن چهارم هجری به این اصول دنیای مدرن امروز توجه داشته و در واقع باید او را بالقوه انسانی مدرن نامید.

بدین ترتیب می‌توان رد پای بسیاری از مسایل اجتماعی معاصر را در نظریات و دغدغه‌های این فیلسوف مسلمان دید. هرچند از نظر بسیاری از متفکران، مدینه فاضله فارابی به صورتی انتزاعی و تخیلی ارائه شده و چندان به جزئیات آن پرداخته نشده است اما به نظر می‌رسد استفاده از دیدگاه‌های وی برای ارایه الگوی یک شهر فاضله با ویژگی‌های ذکر شده بسیار مناسب باشد.

دلیل لزوم توجه به این امر را نیز می‌توان وضعیتی دانست که شهرهای امروزی به آن دچار شده و آنها را به شهرهای به اصطلاح فاسقه و انواع دیگر آن (از نگاه فارابی) تبدیل کرده است. تا جایی که انسان امروز را به سمت بدبینی‌های مورد نظر «ابن خلدون» که شهر را نماد بدبختی و شرارت، انحطاط اخلاقی و بی ارزش شدن انسان می‌دانست [افروغ، ۱۳۷۷: ۸۷]، سوق می‌دهد.

است و مدینه ضاله نیز مدینه‌ای است که مردم آن در اثر تلقین افکار و اعتقاداتی، اصول و مبادی سعادت برایشان منقلب شده و به طریقی کشانده شده‌اند که به هیچ‌وجه راه به سعادت نمی‌برند [همان: ۶۳].

بی‌نظمی دچارند و تنها مدینه مدینه‌ها هرکدام به نوعی این منطبق با نظامات طبیعی و نظام آفرینش انسان فاضله است که است [فارابی، ۱۳۵۹، فصل ۲۹ و ۳۴]. چرا که در نظریه‌های مربوط به آرمان شهر، ارتباط آرمان شهر با طبیعت بسیار پیچیده است. در این رابطه آنچه بیش از همه به چشم می‌خورد، دعوی همساز کردن نظام جامعه با نظام طبیعت است. نگاه "برادر بزرگ" (از شخصیت‌های کتاب ۱۹۸۴، اثر جورج اورل)، جزو جدایی‌ناپذیر انسان‌شناسی آرمانشهری است. آرمان‌شهر، انسان را از طبیعت که فقط برای استیلا بیشتر بر آن از آن تقلید می‌کند، فراتر می‌داند [روویون، ۱۳۸۵: ۱۰].

با کمی دقت درمی‌یابیم یکی از دغدغه‌های انسان شهری امروز نیز احترام و انطباق با طبیعت است. بسیاری از مکتب‌ها و آموزه‌های قرن حاضر (مانند مکتب فرانکفورت) یکی از دلایل تک‌ساختی بودن انسان و تنزل وی به حیات مادی (به نقل از هربرت مارکوزه) را فراموشی طبیعت و نگاه منفعت‌طلبانه انسان نسبت به محیط خود می‌داند [قادری، ۱۳۸۴].

یکی از اصول اساسی دیدگاه توسعه پایدار<sup>۱</sup> که در نشست کنفرانس زمین در سال ۱۹۹۲ مطرح شد و مقبولیت و رواج گسترده‌ای پیدا کرد، توجه به آینده انسان و ارتباط وی با طبیعت و در نهایت

## نتیجه‌گیری

بررسی آرا و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی به خصوص افرادی از قبیل فارابی که در حیطه شهر و شهروندی کنکاش کرده‌اند، امری است که ضرورت آن امروزه در علوم انسانی به خصوص در مطالعات شهری احساس می‌شود. چرا که با شناخت مبانی تئوریک این مباحث و سهم مطالعات فلسفی می‌توان به آرای بهتری در شناخت و بهبود امور شهری دست یافت.

نتایج بدست آمده از آرای این دانشمند بزرگ حکایت از حس کمال‌خواهی، انسان‌دوستی، جمع‌گرایی و توجه به اصولی همچون عدالت، تعاون، مشارکت و آموزش دارد. اصولی که امروزه در جهت ارتقای جوامع انسانی، پویایی افراد و پایداری جوامع شهری مد نظر قرار گرفته، در حقیقت همان وصول به مدینه فاضله و شهر آرمانی است که انسان امروزی در جستجوی آن است و حدود هزار سال پیش این دانشمند آن را در ذهن خود پروراند و این اندیشه ناب را برای انسان مدرن عصر ما به یادگار گذاشته است و همین نکته دلیلی بر آینده‌نگر بودن این شخصیت است. نکته بسیار ظریف آن است که امید رسیدن به مدینه فاضله در ذهن فارابی شبیه امیدی است که انسان مدرن امروزی تحت عنوان آرمان شهر، آرزوی رسیدن به آن را دارد. شهرهای امروزی تبدیل به مکان‌هایی شده‌اند که آستن ضد خویش‌اند زیرا همان‌گونه که مهد تمدن و علم و تکنولوژی‌اند به همان گونه نیز مایه درد و رنج و تخریب طبیعت و شیوع مصرف‌گرایی و تنزل حیات انسان‌اند. اما با این وجود انسان عصر مدرن امیدوار است و با امید دست‌یابی به ایجاد شهری بهتر ادامه می‌دهد و این تداوم دلیلی بر پویایی انسان عصر امروز است که به نظر می‌رسد این امید را از نیاکان خود به ارث برده است. ارمغان فارابی به نسل‌های آینده از جمله عصر ما در واقع دمیدن همین روح امید به ادامه دادن است. در نهایت باید گفت پژوهش در این مسیر و پیوند دانش فلسفه با برنامه‌ریزی شهری نقش فلسفه را از تبیین مسایل به سمت تغییر و بهبود امور انسانی که در شهرها نمود پیدا می‌کند، رهنمون خواهد ساخت و صورت کاربردی‌تری به دانش فلسفه خواهد بخشید.

## پی‌نوشت

۱. Sustainable development

فهرست منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم، ۱۳۸۷. ثبات و تحول در جامعه‌شناسی سیاسی فارابی. مجله سیاست ۳۸ (۲): ۴۳-۱۷.
- افروغ، عماد. ۱۳۷۷. فضا و نابرابری اجتماعی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- آزادارمکی، تقی. ۱۳۷۴. اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون. تهران: انتشارات سروش.
- تقی‌زاده دوری، محمود. ۱۳۸۵. بررسی اشتراکات و افتراقات در فلسفه اجتماع افلاطون و فارابی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی ۷ (۳): ۱۵۹-۱۳۱.
- جوکار، نجف. ۱۳۸۵. جامعه آرمانی در نگاه فارابی و سعدی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۲۱ (۴۸): ۸۴-۶۹.
- خوشرو، غلامعلی. ۱۳۷۴. شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی تا ابن خلدون. تهران: اطلاعات.
- داوری اردکانی، رضا. ۱۳۷۴. فارابی. تهران: طرح نو.
- روویون، فردریک. ۱۳۸۵. آرماتشهر در تاریخ اندیشه غرب. ت: عباس باقری. تهران: نی.
- شریف، میان محمد. ۱۳۶۲. تاریخ فلسفه در اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صرافی، مظفر. ۱۳۷۵. توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری. مجله معماری و شهرسازی (۳۵): ۴۵-۳۹.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۷۱. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
- عظیمی، ناصر. ۱۳۸۴. شهر و انباشت سرمایه. تهران: آگاه.
- الفاخوری، حنا، خلیل الجرجی. ۱۳۶۷. تاریخ فلسفه در جهان اسلامی. ت: عبدالمحمد آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- فارابی. ۱۳۵۴. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ت: سیدجعفر سجادی. تهران: کتابخانه طهوری.
- فارابی، ابونصر. ۱۳۵۸. سیاست مدنی. ت: سیدجعفر سجادی. تهران: انتشارات انجمن فلسفه ایران.
- فالکس، کیت. ۱۳۸۱. شهروندی. ت: محمد تقی دلفروز. تهران: کویر.
- فخری، ماجد. ۱۳۷۲. سیر فلسفه در جهان اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۶۷. فارابی و سیر شهروندی در ایران. تهران: نشر نقره.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۸۵. فارابی و سیر شهروندی در ایران. چاپ دوم. تهران: نشر فضا.
- قادری، حاتم. ۱۳۷۸. اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: سمت.
- کرین، هانری. ۱۳۷۷. تاریخ فلسفه اسلامی. ت: جواد طباطبایی. تهران: انتشارات کویر.
- کریمی زنجانی اصل، محمد. ۱۳۸۳. درآمدی بر چالش آرمان و واقعیت در فلسفه سیاسی فارابی. تهران: کویر.
- مهاجرنیا، محسن. ۱۳۸۰. اندیشه سیاسی فارابی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ناظرزاده کرمانی، فرناز. ۱۳۳۲. اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی. تهران: دانشگاه الزهرا.
- نفیسی، محمود. ۱۳۶۸. سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین. تهران: انتشارات امیری.

Reference List

- Abolhasani, R. (2008). Sobat o tahavol dar jame'e shenasi- e siasi- e farabi [Stability and Evolution in Political sociology of Farabi]. *Seasonal Journal of Politics. Law and Political Science Department, University of Tehran*, 38(2): 17-43.
- Afroug, E. (1998). *Space and Social inequality*. Tehran: University of Tarbiat Modares.
- Al Fakhori, H. & Al Jar, K. (1986). *Khalil ol jar [History of Philosophy in Islam]*. Translated by Ayati, A. Tehran: Elmi Farhangi.
- Azad Armaki, T. (1995). *Andishe-ye ejtemaei- e motafakeran- e mosalman az Farabi ta Ebn khaldun [Social Thought of Muslim thinkers of farabi to Ibn Khaldun]*. Tehran: Soroush.
- Azimi, N. (2005). *Shahr va anbashat- e sarmaye [City and agglomeration of capital]*. Tehran: Agah.
- Corban, H. (1998). *History of Islamic philosophy*. Translated by Tabatabaei, J. Tehran: Kavir.
- Davari Ardakani, R. (1995). *Farabi*. Tehran: Tarh- e No.
- Fakhri, M. (1993). *Seyr- e falsafe dar jahan- e Islam [Philosophy in the Islamic world]*. Tehran: Markaze Nashre Daneshgahi.
- Falamaki, M. (1986). *Farabi va seyri- e Shahvandi dar Iran [Farabi and Citizenship in Iran]*. Tehran: Noghreh.
- Falamaki, M. (2006). *Farabi va seyri- e Shahvandi dar Iran [Farabi and Citizenship in Iran]*. Second Edition. Tehran: Faza.
- Falex, K. (2002). *Citizenship*. Translated by Delforouz, M. Tehran: Kavir.
- Farabi, A. (1975). *Andisheha- ye ahl- e madine- ye fazele [Ideas from Utopia]*. Translated by Sajjadi, S.J. Tehran: Tahuri Library.
- Farabi, A. (1979). *Siasat- e madine [Civic politics]*. Translated by Sajjadi, S.J. Tehran: Iranian philosophy association.
- Ghaderi, H. (1999). *Andisheha- ye siasi dar gharn- e 20 [Political Thought in the Twentieth Century]*. Tehran: Samt.
- Jokar, N. (2006). *Jame' e- ye armani dar negah- e Farabi va sa' di [Utopia in The View of Farabi and Saedi]*. *Journal of Social and Human Science. University of Shiraz*, 21(48): 69-84.
- Karimi Zanjani Asl, M. (2004). *Daramadi bar chalesh- e arman va vagheiat dar falsafe- ye Farabi [Challenges of The ideal and reality in political philosophy of Farabi]*. Tehran: Kavir.
- Khoshroo, G. (1995). *Shenakht- e anvae ejtemaat az didgah- e Farabi ta Ebn- e khaldun [Farabi, Ibn Khaldun's view to identifying the types of communities]*. Tehran: Ettelaeat.
- Mohajernia, M. (2001). *Andishe- ye siasi- e Farabi [Political Thought of Farabi]*. Ghom: Daftar Tablighate Eslami.
- Nafisi, M. (1987). *Seyri dar andisheha- ye ejtemai- e moslemin [Study of Muslim social thought]*. Tehran: Amiri.
- Nazerzadeh Kermani, F. (1953). *Osool o mabadi- e falsafe- ye siasi- e Farabi [Principles of political philosophy of Farabi]*. Tehran: University of Al Zahra.
- Rovion, F. (2006). *Utopia in history of western though*. Translated by Bagheri, A. Tehran: Ney.
- Safa, Z. (1992). *Tarikh- e olum- e aghli dar tamadon- e Islami [History of intellectual sciences in Islamic civilization until the mid-fifth century]*. Tehran: University of Tehran.
- Sarrafi, M. (1996). *Tsee- ye paydar va mas'ooliat- e barname rizan- e shahri [Sustainable Development and Responsibility of Urban Planners]*. *Journal of Architecture and Urbanization*, (35): 39-45.
- Sharif, M. M. (1981). *Tarikh- e falsafe dar Islam [History of Philosophy in Islam]*. Tehran: Naghre Daneshgahi.
- Taghzadeh Davari, M. (2006). *Baresi- e eshterakat va efteraghat dar falsafe- ye ejtema' - e Aflatun va Farabi [Commonalities and differences in Social philosophy of Plato and Farabi]*. *Seasonal Journal of Philosophical and theological studies, University of Ghom*, 7(3): 131-159.

## Farabi's Ideas and its Application in Citizenship Participation

Ahmad Pour Ahmad\*

Leila Habibi\*\*

Maryam Jafari Mehrabadi\*\*\*

### Abstract

The relation between philosophy and other disciplines is a prime area of concern to many scholars. In today's circumstances, philosophy as a knowledge that deals with matters of interpretation needs to have a stronger role beyond its primary principles and should lead to real changes in the society. In fact, determining the relation between philosophy and urban management has been one of the primary goals of the current research. The emergence of the phenomenon of urbanization and its consequences has provoked the attention of scholars from different disciplines. What is strongly felt about when studying this phenomenon is the role of researchers in the field of Islamic culture such as Farabi who have conducted historical researches about the concept of city and society.

In fact, Islamic philosophers had a key role in providing definitions about the concept of city and its problems since ancient times. Among these scholars, Farabi's who is also known as "The Second Teacher" has been frequently cited in related researches on urbanization and citizen's affairs. The purpose of this study is to study Farabi's planning talent for urban issues and especially those which involve the participation of citizens. The research method used in this study based on an analytical-descriptive study of the documents and library resources. At first, the researcher looked into Farabi's views by using the available library and document resources. Then, the relation between these ideas and issues related to urban science is discussed through an analytical method.

Results showed that the views expressed by Farabi had a great affinity and similarity with the contemporary views of modern scholars. In other words, it was realized by means of the current research that Farabi was a community-oriented and city-oriented person which had special foresight in relation to urban knowledge. His views are so close to public participation which can be one of the best important issues in human-oriented planning. These results make the role of philosophy between human disciplines especially in urban disciplines more applicable. In today's world, urbanization and city, issues related to utopia are related with sustainable urban development. One of the principles of sustainable urban development is the promotion of social justice in a way that limited resources should be divided equally between the people and civil rights of individuals are followed. This is what the current research realized about Farabi. The results of studies over the ideas of this great scholar indicate that he possessed supreme senses such as perfectionism, pluralism, philanthropy and concerns about humanistic values such as justice, cooperation, participation and teaching. The principles that Farabi has highlighted as necessary for the promotion of societies, the progress of citizens and the stability of civic societies are in fact the same mechanisms required for achieving the utopia which mankind is still looking for. Interestingly, about 1000 years ago, Farabi perfectly nourished this in his mind and presented it as a precious gift to humanity.

Although many scholars believe that Farabi's utopia is presented in an abstract and imaginative method, it seems that his views can be used as a model city for a utopia that would have the required characteristics.

Finally, the interaction between science, philosophy and urban scholars will release them from their passive fence and will give them a more prominent role in affairs that requires cooperation of all related fields.

### Keywords

Farabi, urbanization, Utopia, citizenship rights, civil society.

\*. Ph.D. in Geography and Urban Planning. Professor of Geography Faculty of University of Tehran. Iran. apoura@ut.ac.ir

\*\* Ph.D. student in Geography and Urban Planning, University of Tehran. Iran. leila.habibi@gmail.com

\*\*\* Ph.D. student in Geography and Urban Planning, University of Tehran. Iran. Mjafari18@yahoo.com